

نقش شهرهای میانی در توسعه فضایی استان همدان با نگرش بر شهر ملایر

دکتر مجید شمس

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی و احد تویسرکان

چکیده

رشد سریع جمعیت و افزایش درصد شهرنشینی از پدیده‌هایی است که در چند دهه اخیر در کشور ایران مانند بسیاری از کشورهای جهان پدیدار شده است، گرچه افزایش جمعیت شهرنشینی فی‌الذات پدیده نامطلوبی نمی‌باشد و بعضی آن را نمادی از توسعه یافتگی می‌دانند، لذا آنچه که به‌عنوان یک موضوع مهم مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، نه افزایش درصد شهرنشینی بلکه توزیع نامتوازن و نامتناسب جمعیت در کانون‌های شهری است.

استان همدان علی‌رغم قابلیت‌های طبیعی و موقعیت مناسب جغرافیایی و پیشینه تاریخی از نظر توسعه اقتصادی و اجتماعی از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست و همچنین از جهت نظام سکونتگاهی و سلسله مراتبی و سطح بندی خدمات تعادلی در شهرهای بزرگ، میانه و کوچک نواحی روستایی آن به چشم نمی‌خورد. به طوری که عمده جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی در شهر همدان (مرکز استان) متمرکز گردیده و الگوی نخست شهری بر آن حاکمیت دارد.

در این تحقیق سعی شده است با نگرش سیستمی و جامع‌نگر به تحلیل و بررسی وضع موجود و جایگاه و نقش شهرهای میانه اندام در توسعه فضایی استان به شکلی منطقی و متعادل پرداخته شود.

واژگان کلیدی: توسعه فضایی، شبکه شهری، سلسله مراتب شهری، تعادل بخشی فضایی، پراکنش جمعیت.

مقدمه

الگوی توزیع جمعیت در کشورهای در حال توسعه، نشان از عدم تعادل در شبکه استقرار جمعیت و بهره‌وری از منابع و امکانات سرزمین دارد که در دهه‌های اخیر این عدم تعادل بیشتر به چشم می‌خورد و هر کشوری بنا به فراخور حال و شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود به نوعی سعی در برطرف نمودن این مشکل داشته. اما اغلب برنامه‌ریزی‌ها در این زمینه با موفقیت همراه نبوده است و در حال حاضر شاهد توزیع ناموزون و ناهماهنگ جمعیت در مراکز سکونتگاهی هستیم.

موضوع قابل توجه این است که با وجود این که مراکز شهری ایران نسبت به روستاها مهاجر پذیرترند ولی شهرهای بزرگ هر ناحیه یا هراستان به خاطر تمرکز شدید سرمایه، وجود فرصت‌های شغلی، امکانات رفاهی، توسعه صنایع، بالا بودن درآمد از جاذبیت بیشتری نسبت به شهرهای کوچک و میانی برخوردار بوده و در واقع هر روستا یا شهر (متوسط و کوچک) به مترو پل اصلی (شهرهای بزرگ در هر ناحیه یا استان) وابسته و در ارتباط است و این امر موجب شده تا شهرهای بزرگ به‌طور سرسام‌آوری از افزایش جمعیت و رشد و توسعه شهری برخوردار شوند و در مقابل شهرهای سطوح پایین‌تر کم‌اهمیت جلوه نمایند. این شکلی است که تقریباً در کله ممالک در حال توسعه دنیا، از جمله هندوستان، بنگلادش، سوریه و مکزیک، مشاهده می‌شود (امکچی، ۱۳۷۹، ۲) زیرا سیاست تمرکزگرایی و انباشت سرمایه و سایر امکانات در شهرهای بزرگ باعث عزیمت نیروی انسانی و مهاجرت‌های گسترده به این‌گونه شهرها شده است.

لذا شهرهای میانه نقش انتقال و تقویت توسعه‌ای را ایفا می‌کنند، نقشی که امکان می‌دهد هر یک از شهرها عملکرد خاص خود را در به کارگیری استعدادها و قابلیت‌های توسعه و تحریک شبکه شهری منطقه‌ای داشته باشند و مهاجرانی را که عازم شهرهای بزرگ هستند جذب نموده و شرایط کار و اشتغال آن‌ها را فراهم سازند. ضمن این که شهرهای میانی با توجه به ظرفیت جمعیتی مناسب خود حتی در مواردی می‌توانند واحدهای بزرگ صنعتی را در ارتباط با پتانسیل‌های خویش پذیرا باشند. همچنین می‌توانند امکان بهره‌گیری مناسب را در توانمندی‌های منطقه‌ای فراهم سازند.

شهرهای میانه و مترپل‌های ناحیه‌ای

مفهوم متوسط (میانی) طبیعتاً نسبی است و دامنه چنین شهرهایی که سطوح میانی از سلسله مراتب شهری را می‌سازند همیشه در میان کشور متفاوت خواهد بود. زمانی که در یک کشور اندازه جمعیت بزرگ‌ترین شهر، در حد جمعیت شهر کوچک و یا متوسط کشور دیگری است، لزوماً مقیاس شهر میانه آن نیز با اندازه شهرهای مختلف خود تعریف می‌شود. بنابراین تعیین

شهر میانی در هر کشور با اندازه بزرگ‌ترین و کوچک‌ترین شهرهای همان سرزمین مشروط می‌گردد. گرچه در تعیین اندازه شهرها، نقش و عملکرد اقتصادی - اجتماعی آن‌ها مهم و موثر است ولی نبود اطلاعات دقیق و کامل در این زمینه موجب شده تا از شایسته‌ترین معیار که همان اندازه نسبی جمعیت است و با تجربه و تحلیل مقایسه‌ای به دست می‌آید استفاده شود. تعدادی از تحلیل‌گران بر این باورند که شهرهای میانه می‌بایست عملکردهای «مرکزیت مکانی» را به عهده گیرند و به همین خاطر شهرها خودشان باید زندگی مردم در مناطق روستایی و شهرهای کوچک را سرویس دهند. در یک طبقه‌بندی جمعیتی، شهرهای میانه را شهرهای با جمعیت بین ۵۰ تا ۲۵۰ هزار نفر می‌دانند. البته شهرهای میانه را در هر گروه شهرهای میانه کوچک اندام (۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر) و شهرهای میانه بزرگ اندام (۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر) نیز تقسیم می‌کنند.

پیر ژرژ در سلسله مراتب شهری، شهرهای میانه اندام را بعد از شهرهای کوچک آورده و جمعیت آن‌ها را بین ۵۰ تا ۱۵۰ هزار نفر می‌داند.

سازمان ملل عدد جمعیتی ۲۵ تا ۲۵۰ هزار نفر و گزارش رسمی ستیران در ایران (۱۳۵۶) عدد ۲۵ تا ۲۵۰ هزار نفر و تبصره بودجه سال ۱۳۶۲ رقم ۲۰ تا ۲۵۰ هزار نفر را برای شهرهای میانه تعیین نموده‌اند. در ایران از تجزیه و تحلیل داده‌های آماری مربوط به رشد نقاط شهری و درصد جمعیت پذیری آن‌ها از سال ۷۵-۱۳۳۵ چنین می‌توان نتیجه گرفت که شهرهای میانی از تعادل نسبی بیشتری برخوردار بوده‌اند که همین مسئله موجب می‌شود اهمیت این گونه مراکز سکونتگاهی در توسعه منطقه‌ای و ملی بیشتر مد نظر قرار گیرد.

شهرهای میانی به عنوان یک قطب جمعیتی بزرگ در سطح ناحیه، امکانات، خدمات و سرویس‌دهی به شهرهای کوچک را به عهده می‌گیرند و در مقابل تولیدات آن‌ها را جمع‌آوری و به رده بالاتر منتقل می‌کند یعنی در واقع پل ارتباطی بین شهرهای کوچک است و چنانچه خوب ایفای نقش کند مانع از حرکت و مهاجرت جمعیت از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و کلانشهرها می‌شود و تعادلی را در سطح ناحیه ایجاد می‌نماید.

نقش شهرهای میانی در امر توسعه

دنيس راندينلی در تحلیل روابط شهر و روستا بر محور سیاست توسعه، در سلسله مراتب شهری بر جمعیت شهری تاکید می‌کند. او می‌گوید اهداف توسعه روستایی جدا از شهرها علمی نیست زیرا بازارهای اصلی برای دریافت مازاد تولیدات کشاورزی در مراکز شهری قرار گرفته است. از طرفی بیشتر عوامل تولید از امکانات سازمان‌های شهری بهره‌مند می‌شوند و خدمات مورد نیاز جامعه روستایی از مراکز شهری به دست می‌آید. از این رو پیشنهاد می‌کند در

صورتی که دولت‌ها بخواهند در سطوح اجتماعی و فضایی به توسعه گسترده دست یابند پراکندگی جغرافیایی سرمایه‌گذاری‌ها را تقویت کنند و این امر از طریق عدم تمرکز و سیستم یکپارچه شهرها ممکن می‌شود و امکان دسترسی به بازارها را برای مردمی که در همه بخش‌های کشور یا ناحیه زندگی می‌کنند فراهم می‌آورد.

با توجه به نظر این محقق شهرهای میانی ممکن است در امر توسعه تأثیر بگذارند بدین ترتیب که:

- شهرهای میانی از مشکلاتی که امر مسکن، حمل و نقل، آلودگی و... در بزرگ‌ترین شهرها ایجاد می‌کنند می‌کاهد.
- شهرهای میانی از نابرابری‌ها ناحیه‌ای می‌کاهد.
- شهرهای میانی از طریق ایجاد خدمات و بازارها برای تولیدات کشاورزی حوزه‌های روستایی، اقتصاد روستایی را تحریک و پویایی می‌بخشد.
- شهرهای میانی، تمرکز اداری را در شهرهای بزرگ کاهش می‌دهد. در این صورت تمرکز سرمایه‌گذاری در شهرهای بزرگ صورت نمی‌گیرد.
- سرمایه‌گذاری در شهرهای میانی، فقر را کاهش می‌دهد. زیرا در بعضی از کشورهای در حال توسعه جلوه‌های فقر در شهرهای میانی و کوچک بیشتر است.
- در امر توسعه ناحیه‌ای باید شهرهای میانی با سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی و دولتی تقویت شود.

لازم به ذکر است که نظریه راندینلی چون در بازار آزاد مطرح می‌شود در آن سرمایه‌گذاران محلی با میل و رغبت در شهرهای میانی سرمایه‌گذاری می‌کنند. بیشتر کشورهای در حال توسعه فاقد سیستم‌های کارآمد مکان مرکزی هستند. از این رو باید در این کشورها سیستم مکان مرکزی کارآمد به وجود آید. (شکوئی، ۱۳۷۳، ۳۱۵)

به هر حال شهرها به عنوان وزنه‌های اصلی نواحی باید نقش اساسی در ایجاد تعادل‌های ناحیه‌ای داشته باشند. راندینلی معتقد است که نقش شهرهای میانه اندام در توسعه یکپارچه ناحیه چشمگیر است. این شهرها به عنوان مراکز خدمات به نقاط سکونتگاهی کوچک‌تر و مراکز توزیع کالاها و خدمات، نقش مهمی در روندهای اقتصادی بازی می‌کنند. بنابر این تقویت این گونه شهرها به موازات چهار چوب برنامه‌های ملی و ناحیه‌ای می‌تواند نتایج بسیار مفیدی برای توسعه متعادل ناحیه‌ای داشته باشد (حسین‌زاده دلیر، ۱۳۸۰، ۱۱۸).

توزیع جمعیت استان همدان در مراکز سکونتی شهری

استان همدان با وسعتی معادل ۱۹۴۹۳ کیلومتر مربع در نیمه غربی ایران، بین مدار ۳۳ درجه

۵۹ دقیقه الی ۳۵ و ۴۸ دقیقه عرض شمالی و ۴۷ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۴۹ درجه و ۳۶ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ با مرکزیت همدان واقع شده است.

بر اساس تقسیمات کشوری در سال ۱۳۷۵ این استان در مجموع ۸ شهرستان، ۱۸ شهر، ۱۸ بخش و ۶۸ دهستان را شامل می‌شود.

بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۷۵ این استان ۱۶۷۷۹۵۷ نفر جمعیت داشته که از این تعداد ۸۱۰۶۴۰ نفر در مراکز شهری و ۸۶۷۳۱۷ نفر در نواحی روستایی سکونت داشته‌اند.

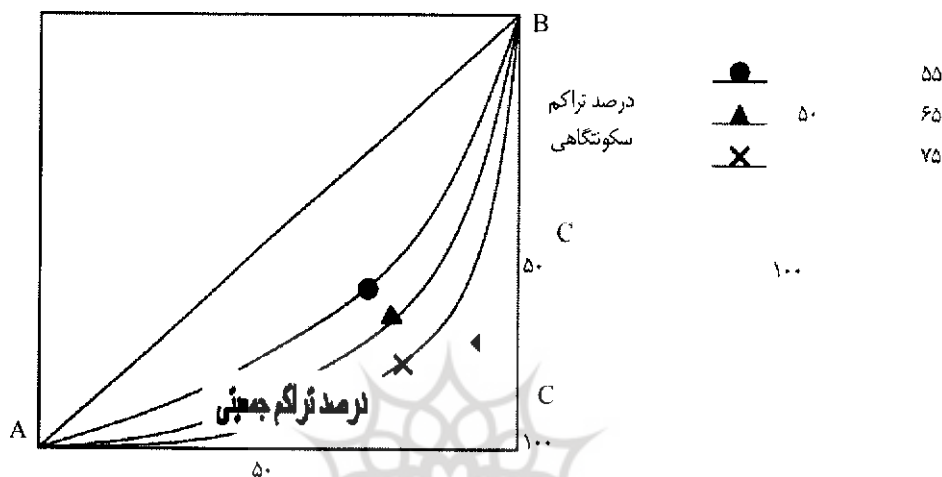
بررسی ساختمان سنی جمعیت استان همدان در سال آماری مذکور نشان می‌دهد که ۴۱ درصد جمعیت در گروه سنی ۱۴-۰ سال، ۵۴ درصد ۶۴-۱۵ سال و ۵ درصد از جمعیت این استان در طبقه سنی ۶۵+ سال قرار گرفته‌اند به این ترتیب در ارزیابی سنج‌های سنی جمعیت مشخص می‌شود از ساختار سنی جمعیتی جوان برخوردار است.

نسبت جنسی استان همدان در سال ۱۳۷۵-۱۰۲ در کلیه مناطق بوده که شهرستان همدان با نسبت ۱۰۵ بالاترین و شهرستان رزن با نسبت جنسی ۹۶ کمترین رقم را به خود اختصاص داده‌اند که خود مؤید مهاجرپذیر بودن شهر همدان آن هم بیشتر از جنس مردمی باشد. از مجموع ۸۱۰۶۴۰ نفر جمعیت شهری استان ۴۹/۲ درصد آن در شهر همدان و باقیمانده جمعیت در ۱۷ مرکز شهر دیگری تمرکز یافته‌اند.

ملایر با ۱۷/۳ درصد، نهاوند (۸ درصد) اسدآباد (۶ درصد) تویسرکان (۴/۶ درصد) بهار (۳/۱ درصد) کبودآهنگ (۲/۲ درصد) لالچین (۱/۷ درصد) فامنین (۱/۱ درصد) و شهرهای صالح آباد، رزن، قروه درجزین، سرکان، سامن، فیروزان، ازندریان و جورقان مجموعاً ۵/۱ درصد از جمعیت شهری استان را در خود جای داده‌اند. به این ترتیب عدم توازن و تعادل در توزیع جمعیت را به وضوح مشاهده می‌نماییم. در این بخش از مدل منحنی لورنز جهت نمایش بهتر عدم تعادل در پراکنش جمعیت استان در دهه‌های ۷۵-۵۵ بهره می‌گیریم.

با مشاهده منحنی چنین به نظر می‌رسد که جمعیت در مراکز سکونتگاهی استان همدان به طور متعادل توزیع نشده و این عدم تعادل در سال‌های ۶۵ و ۷۵ بیشتر به چشم می‌خورد چرا که هر چه منحنی ما از خط تعادل (AB) فاصله بگیرد عدم تعادل بیشتر می‌باشد بنابراین توزیع جمعیت در دهه ۵۵ متعادل تر بوده و هر چه به جلوتر می‌رویم بر اساس عدم توزیع متعادل خدمات - سرمایه و امکانات در سطح ناحیه زمینه جذب جمعیت از روستا و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و مراکز استان بیشتر شده در نتیجه در سال‌های ۶۵ و ۷۵ به مراتب منحنی ما از خط AB فاصله بیشتری گرفته است.

نمودار ۱- منحنی لورنز جهت نمایش چگونگی توزیع جمعیت در مراکز سکونتگاهی استان همدان



منبع: ترسیم توسط نگارنده با استناد به آمارهای سال ۷۵ از سال نامه آماری استان همدان.

شبکه شهری استان همدان

مجموعه شهرهای بزرگ و کوچکی که در محدوده استان همدان واقع شده‌اند و تحت عنوان شبکه شهری خوانده می‌شوند، هیجده مرکز شهری هستند که با یکدیگر ارتباط و کنش متقابل دارند. با توجه به رعایت نظم سلسله مراتبی، چنانچه بخواهیم این شهرها را بر اساس داده‌های کمی (جمعیتی) طبقه‌بندی و رتبه‌بندی نماییم، شهر همدان با ۳۹۹۰۰۶ نفر در بالاترین رده و شهر جورقان با ۲۲۷۵ نفر در پایین‌ترین سطح قرار می‌گیرند و بقیه مراکز شهری در بین این دو سطح، طبقه‌بندی می‌شوند.

شبکه شهری استان همدان را می‌توان در سه سطح طبقه‌بندی نمود. شهر همدان با ۳۹۹۰۰۶ نفر جمعیت در راس شبکه قرار می‌گیرد. در سطح دیگر شهرهای ملایر، نهاوند، تویسرکان، کبودرآهنگ، اسدآباد، بهار و رزن قرار دارند که مراکز شهرستان‌ها هستند و از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشند؛ و نهایتاً در سطح سوم سایر شهرهای دیگر که شهرهای کوچک‌تری هستند مانند لالچین، مریانج، فامنین، صالح آباد، قروه درجزین، سرکان، سامن، فیروزان، ازندریان و جورقان قرار می‌گیرند. شبکه شهری استان همدان از طریق محور ملایر و نهاوند به بروجرد با شبکه شهری لرستان و از طریق محور ملایر- اراک با شبکه شهری استان مرکزی، از طریق محور نهاوند با شبکه شهری کرمانشاه، از راه بهار با شبکه شهری کردستان و از راه رزن با شبکه شهری قزوین و از راه کبودرآهنگ با شبکه شهری زنجان ارتباط پیدا می‌کنند.

جدول ۱ - مقایسه توزیع اندازه جمعیت شهرهای استان با شهر اول (همدان) بر حسب مدل رتبه - اندازه.

شهر مورد مقایسه	جمعیت	رتبه	اندازه جمعیت مورد انتظار	کسر جمعیت
ملایر	۱۴۰۹۴۸	۲	۱۹۹۵۰۳	۵۸۵۵۵
نهایند	۶۵۱۶۴	۳	۱۳۲۰۰۲	۶۷۸۳۸
اسدآباد	۴۸۳۸۶	۴	۹۹۷۵۱	۵۱۳۶۵
تویسرکان	۳۷۸۸۶	۵	۷۹۸۰۱	۴۱۹۱۵
بهار	۲۵۸۶۵	۶	۶۶۵۰۱	۴۰۶۳۶
کیودرآهنگ	۱۸۳۲۷	۷	۵۷۰۰۰	۳۸۶۷۳
لالجین	۱۳۹۶۳	۸	۴۹۸۷۵	۳۵۹۱۲
مریانج	۹۵۲۳	۹	۴۴۳۳۴	۳۴۸۱۱
فامنین	۸۷۸۵	۱۰	۳۹۹۰۰	۳۱۱۱۵
صالح آباد	۸۳۵۰	۱۱	۳۶۲۷۳	۲۷۹۲۳
رزن	۸۳۲۵	۱۲	۳۳۲۵۰	۲۴۹۲۵
قروه درجزین	۷۸۲۵	۱۳	۳۰۶۹۲	۲۲۸۶۷
سرکان	۵۴۲۲	۱۴	۲۸۵۰۰	۲۳۰۷۸
سامن	۴۷۵۰	۱۵	۲۶۶۰۰	۲۱۸۵۰
فیروزان	۲۴۱۵	۱۶	۲۴۹۳۷	۲۲۵۲۲
ازندریان	۳۴۲۵	۱۷	۲۳۴۷۰	۲۰۰۴۵
جورقان	۲۲۷۵	۱۸	۲۲۱۶۷	۱۹۸۹۲

منبع: آمار نامه استان همدان ۱۳۷۵

شبکه شهری استان همدان می تواند بخشی از نقش شبکه تهران را به علت نزدیکی به عهده بگیرد ضمن این که تمرکززدایی از تهران فواید زیادی به دنبال خواهد داشت. ناگفته نماند که عوارضی هم در پی دارد، چنانچه بعضی از نقش ها، سرمایه گذاری ها و مکان یابی صنایع به استان همدان واگذار شود به دلیل نزدیکی با تهران می تواند تا حد قابل ملاحظه ای عوارض ناشی از تمرکز زدایی را تقلیل دهد.

انطباق مدل رتبه - اندازه با شبکه شهری استان همدان

بیانگر گرایش نظام‌های شهری به سمت تعادل و یا عدم تعادل می‌باشد. با بررسی و شناخت نظام سلسله مراتبی شهرهای استان، امکان شناسایی نارسایی‌ها و کاستی‌های موجود و همچنین طراحی یک الگوی سلسله مراتبی مناسب و کارا فراهم می‌گردد. در این مدل بزرگ‌ترین شهر یعنی شهری که بیشترین جمعیت را داشته باشد در رتبه اول قرار می‌گیرد. و شهرهای رتبه دوم، سوم و... به ترتیب شهرهایی خواهند بود که $\frac{1}{3}$ و... شهر اول جمعیت داشته باشند. البته لازم به ذکر است که مطالعات نشان داده که در جوامعی که در مراحل اولیه توسعه اقتصادی قرار دارند، الگوی نخست شهری حاکم بوده و دارای توزیع نرمال اندازه جمعیت شهری نمی‌باشند.

لازم به ذکر است که بهره‌گیری از مدل‌های دیگر نیز این نتیجه را به دست می‌دهد که شبکه شهری استان همدان به هم ریخته است و از نظم خاصی پیروی نمی‌کند.

جایگاه ملایر در شبکه شهری

بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۵ بالغ بر ۱۸ مرکز شهری در استان همدان وجود داشته که از این تعداد تنها ۸ مرکز شهری بالای ۱۰ هزار نفر جمعیت داشته‌اند و ۱۰ شهر دیگر زیر ۱۰ هزار نفر جمعیت داشته است. در همین سال تنها شهر همدان و ملایر بیش از یکصد هزار نفر جمعیت داشته‌اند. البته لازم به ذکر است در طی سه دهه گذشته (۶۵-۴۵) نیز شهر ملایر موفقیت خود را در سلسله مراتب شهری استان حفظ کرده است.

با توجه به این که سهم جمعیت شهری ملایر در سال ۷۵ نسبت به سال ۶۵ افزایش یافته است که به نوعی حاکی از بیشتر شدن جاذبه جمعیتی شهر ملایر است. صرف نظر از نقش ملایر در شبکه شهری استان و موفقیت آن باید توجه داشت که ملایر توسط منطقه‌ای احاطه شده که شبکه‌ای از شهرهای برون استانی (نظیر اراک و بروجرد) را در بر می‌گیرد و به دلیل این موقعیت، بین شهر ملایر با دو شهر مذکور شبکه‌های ارتباطی برقرار می‌باشد که به لحاظ سهولت دسترسی و مجاورت با شهرهای اراک و بروجرد وابستگی اقتصادی و اجتماعی یا به عبارت دیگر روابط متقابل بین آن‌ها برقرار می‌باشد. شهر ملایر با اراک ۹۵ کیلومتر و با شهر بروجرد از توابع استان لرستان ۵۵ کیلومتر فاصله دارد که تقریباً با فاصله این شهر با همدان به عنوان مرکز استان و نهاوند و تویسرکان شهرهای سوم و چهارم استان همدان برابری می‌کنند و همین موضوع جایگاه ویژه‌ای را در سطح منطقه به ملایر بخشیده است.

با این حال موضوع قابل توجه این است که در نتیجه تحولاتی که در شبکه شهری ایجاد شده، نقش شهرهای میانی و کوچک مانند ملایر ضعیف گردیده است. در واقع می‌توان گفت که

۱- برای اطلاع بیشتر رجوع شود به رساله دکتری نگارنده با عنوان نقش شهرهای میانه در توسعه فضایی استان همدان - گروه جغرافیا - دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

نوعی شبکه زنجیره‌ای به وجود آمده است یعنی هر شهر کوچک یا متوسط یا روستاهای یک شهر به طور مستقیم و به صورت زنجیره‌ای با کلانشهر اصلی یا متروپل در ارتباط است (مانند رابطه روستاهای ملایر با تهران) در صورتی که در کشورهای صنعتی پیشرفته غالباً شبکه شهری به صورت همگون و کهکشانی است. یعنی هیچ شهری برتری فوق‌العاده‌ای در کل شبکه ندارد. البته این موضوع در کشوری نظیر ایران ریشه در سال‌های قبل دارد که اقتصاد متکی به نفت بر کشور مسلط شد و بیشترین سرمایه‌ها در پایتخت متمرکز شد و از دیگر سو به دلیل احساس عدم وابستگی این گونه شهرها به روستاها و شهرهای میانی گسیختگی روابط ارگانیکی را موجب گردیده است.

ملایر شهر میانی برتر

از مجموع شهرهای میانه اندام استان، شهر ملایر به عنوان شهر میانی بزرگ (۱۴۰۹۴۸) و شهرهای نهاوند، اسدآباد، تویسرکان و بهار به عنوان شهرهای میانی کوچک اندام به شمار می‌روند. همان گونه که پیش‌تر نیز ذکر شد شهر میانی باید نقش تعدیل‌کننده و تعیین‌کننده را در خلاء ناشی از قطبی شدن شهرهای بزرگ و در حاشیه ماندن شهرهای کوچک ایفا کنند. این شهرها می‌توانند در عین حال نوعی همگنی ایجاد کرده و تفاوت‌های بین شهرهای بزرگ و کوچک را برطرف کنند همچنین کیفیت زندگی را برای ساکنین خود مطلوب نماید. با توجه به این موارد می‌توان گفت ملایر به عنوان یک شهر میانی برتر می‌تواند در توسعه فضایی استان در توزیع متعادل و متوازن جمعیت، خدمات و امکانات، نقش سازنده‌ای داشته باشد.

در سال ۱۳۷۵ از کل جمعیت شهری استان ۳۹ درصد آن در شهرهای میانی سکونت داشته‌اند این در حالی است که شهرهای میانی ۲۷/۷ درصد از کانون‌های شهری را به خود اختصاص داده‌اند اما در این بین شهر ملایر به لحاظ پتانسیل‌های محیطی و توانایی‌های اقتصادی اجتماعی مطلوب‌تر نسبت به سایر شهرهای میانی و همچنین موقعیت ارتباطی بین این شهر با شهرهای همدان، بروجرد و اراک از اهمیت بیشتری در تعادل بخشی فضایی برخوردار است و با سوق دادن و هدایت سرمایه، امکانات و پروژه‌های عمرانی به این شهر تا حد قابل ملاحظه‌ای می‌توان از الگوی نخست شهری حاکم بکاهد و در تعادل بخشی فضایی مؤثر واقع شود.

با استناد به ضریب مرکزیت کریستالر اقدام به تعیین مرکزیت نقاط شهری استان همدان نموده‌ایم و در این رابطه از آمار شاغلین در بخش‌های اقتصادی شهرها و با مراکز شهرستان در سطح استان همدان استفاده نمودیم و به این واسطه سکونتگاه‌های شهری را در ارتباط با نواحی

پیرامون از نظر درجه اهمیت و اعتبارشان طبقه بندی کرده ایم که بر اساس نتایج حاصله از محاسبات شاخص مرکزیت در مراکز شهرستان های استان با توجه به تعداد شاغلین در بخش های صنعت، خدمات، ساختمان، آب و برق و گاز ملاحظه می نمایم که شهر همدان در راس هرم شهری استان واقع است و شهر ملایر در سطح و نهاوند، تویسرکان و کیودرآهنگ و اسدآباد در سطح سوم، شهرهای بهار و رزن در سطح چهارم و بقیه شهرهای کوچک در سطح پنجم و ششم واقع شده اند.

آنچه می تواند به عنوان یک عامل مهم برتری شهر ملایر را نسبت به سایر شهرهای میانی استان متمایز سازد قرار گرفتن این شهر در حوزه نفوذ شهر همدان - بروجرد و اراک است که در زیر به تشریح آن می پردازیم.

ملایر در حوزه نفوذ و جاذبه سه شهر همدان - بروجرد - اراک

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مهاجرت و ارتباط شهر و روستا ابعاد تازه ای یافته و با سرعت بیشتر بر جمعیت شهرها و به ویژه ملایر افزوده شده است. جمعیت این شهر از ۲۸۳۲۵ نفر در سال ۱۳۴۵ به ۱۴۹۱۲۳ نفر در سال ۱۳۷۵ رسیده و این شهر در حال حاضر در حدود ۵ هزار نفر جمعیت روستاهای اطراف را در ساعات روز در خود جای می دهد و روستاییانی که از اولین ساعات روز با مقاصد مختلف اقتصادی، آموزشی، فرهنگی و اجتماعی به شهر آمده و در پایان ساعت کار روزانه مجدداً شب به روستا برمی گردند به این جمعیت ناپایدار طیف وسیعی از خدمات را هر چند به طور متوسط ارائه می دهد.

خریدهای روزانه در رأس همه قرار دارد و بعد از آن به علت کمبودهای روستاهای اطراف و توجه مردم به امر تحصیل و نیازهای آموزشی در اولویت قرار دارد. مراجعات روزانه به شهر جهت جستجوی شغل و کار و فعالیتهای ساختمانی در مرتبه بعدی قرار گرفته، بعد از آن نوبت به خدمات درمانی و بالاخره امور اداری و متفرقه می رسد و در حال حاضر شهر ملایر در ناحیه از یک نوع مرکزیت ویژه برخوردار است و به عنوان کانون فعالیت های تجاری و مبادلاتی میان مراکز شهری و روستاها و آبادی های کوچک تر حوزه نفوذ خود تلقی می گردد. اما با توجه به بعد مسافت و موانع طبیعی و همچنین ضعیف بودن نقش و عملکرد بازار شهری ملایر برخی از روستاهای اطراف ملایر که به لحاظ اقتصادی با شهرهایی همچون همدان، بروجرد و اراک ارتباط دارد برقرار می کنند و به لحاظ اقتصادی جزء حوزه نفوذ این شهرها محسوب می شوند در این بخش تأکید بر شبکه های حمل و نقل و ارتباطی و افزایش رونق تجاری در مراکز بازاری ملایر می شود تا بعضاً روستاییان مجبور به برقراری ارتباط بدون واسطه شهری مرکزی خود با شهرهای بزرگ همچون همدان و اراک نگردند.

به هر ترتیب بعد مسافت، زمان دسترسی و وجود مراکز بهداشتی و درمانی مجهزتر در شهرهای بزرگ ترین همچون همدان - اراک و بروجرد موجب شده تا تعدادی از روستاهای ملایر با این شهرها ارتباط برقرار نموده و به جای ملایر از خدمات موجود شهرهای بزرگتر استفاده نمایند. لذا می‌تواند تا با ایجاد سرمایه‌گذاری بیشتر - توسعه مراکز خدماتی و بهداشتی و همچنین برخوردار بودن از شبکه‌های ارتباطی مطلوب و مناسب در شهر میانی ملایر از مهاجرت و تحرک جمعیت روستایی به شهرهای بزرگتر ممانعت به عمل آورد ضمن این که این شهر می‌تواند به سطوح پایین‌تر مراکز سکونت خود خدماتی بهتری ارائه دهد. و این موقعیت یعنی ارتباط با محورهای همدان - بروجرد (لرستان) و اراک برتری ملایر را نسبت به سایر شهرهای میانی استان تقویت می‌نماید.

پیشنهادات و سیاست های راهبردی در تقویت جایگاه ملایر به عنوان یک شهر میانی:

- ایجاد پایه اقتصادی و مالی و جاذبه‌های سرمایه‌گذاری در شهر ملایر.
- ایجاد زیرساخت های فنی، سوخت و انرژی، آب، شبکه فاضلاب، ارتباطات و حمل و نقل می‌تواند در جذب سرمایه مؤثر واقع شود.
- توجه به امکانات و توان‌های محیطی و محلی شهر ملایر.
- رفع کمبودهای خدماتی، آموزشی، بهداشتی شهر به خاطر جلوگیری از مهاجرت جمعیت به شهرهای بزرگ‌تر.
- تقویت نهادها و مؤسسات سیاست‌گذار و برنامه‌ریزان محلی.
- ایجاد زیر ساخت های اقتصادی، سیستم مالی و اعتباری، سرمایه‌گذاری، خدمات بانکی، انبارداری و نگهداری و ذخیره‌سازی.
- ایجاد زیر ساخت‌های اجتماعی، مسکن، آموزش و بهداشت.
- ایجاد و توسعه صنایع تبدیلی در شهر ملایر.
- پیوستن شهر ملایر به شبکه راه آهن سراسری کشور از طریق راه آهن اراک.
- اعمال سیاست های هدایتی و ارشادی برای ساختار اقتصادی کشاورزی سنتی به کشاورزی مدرن.
- اعمال سیاست‌های تعدلی بین بخش‌های مختلف اقتصاد کشاورزان و صنعت و خدمات.

نتیجه گیری

مطالعه پراکنش جمعیت در سطح استان همدان به وضوح نمایان می‌سازد که درصد جمعیت

شهرنشینی همواره در حال افزایش بوده ولی آنچه که مسلم است این است که جمعیت در مراکز شهری به طور متعادل توزیع نشده است و این مسئله به واسطه مطالعه تطبیقی وضع موجود منطقه مورد مطالعه با مدل‌ها و الگوی متعدد از قبیل، مدل رتبه انداز، پارتو، لورنز، سلسله مراتبی و... به اثبات رسید که در استان همدان از نظر نظام شبکه شهری، بی‌نظم و به هم ریخته است به طوری که ملاحظه شد شهر همدان ۵۰ درصد جمعیت شهری استان را در خود جای داده و ۵۰ درصد باقیمانده در ۱۷ شهر دیگر تمرکز یافته‌اند و به دلیل عدم توزیع متعادل و بهینه سرمایه، خدمات و امکانات شاهد تحرکات زیاد جمعیت در بین مراکز سکونتی در سطح استان هستیم (گرایش بیشتر به سوی شهر مرکزی استان) که خود موجب عدم تعادل فضایی در سطح استان شده است لذا به نظر می‌رسد با تقویت شهرهای میانه (ملازم به خاطر برخورداری از موفقیت بهتر) می‌توان در تعادل بخش فضایی نقش عمده‌ای را ایفا نمود تا ب‌عنوان یک حلقه واسطه بین مرکز سکونتی پایین و بالایی خود ضمن پذیرش جمعیت سرریز شهرهای بزرگ از مهاجرت روستاییان به یک‌باره به شهرهای بزرگ ممانعت به‌عمل آورد.

منابع

- ۱- مکچی، حمیده، ۱۳۷۹، شهرهای میانی و نقش آن‌ها در چارچوب توسعه ملی، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- ۲- ارجمندیا، اصغر، ۱۳۷۰، نقش شهرهای میانه در نظام اسکان جمعیت، سرپناه شماره ۶۸.
- ۳- آمار نامه استان همدان ۱۳۷۵ سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان.
- ۴- حسین زاده دلیر، کریم، ۱۳۸۰، برنامه ریزی ناحیه‌ای - انتشارات سمت.
- ۵- سازمان برنامه و بودجه استان همدان، ۱۳۷، طرح و راهبردهای بلندمدت توسعه استان همدان در افق ۱۴۰۰-۶.
- ۶- شکوئی، حسین، ۱۳۷۳، دیدگاه‌های نو در جغرافیا جلد اول، انتشارات سمت.